

گاهی شده؟

گاهی شده که طعمهء دزدان شده باشی؟
ناکرده گنه، راهی زندان شده باشی؟
گاهی شده که گریه کنی تا به ثریا
از زندگی خویش پشیمان شده باشی؟
گاهی شده از قلت بی آدمی و، حیف!
هم صحبت بی دانش و نادان شده باشی؟
در خانه خود باشی و بیگانه بیاید
در خانهء خود نوکر و دربان شده باشی؟
گاهی شده بزغالهء یک رمه شوی، بعد
مشغول نگهداری چوپان شده باشی؟
گاهی شده که یکصد و ده روز و دو ساعت
هر ثانیه تو در غم اعلان شده باشی؟
گاهی شده از دست چنین مردم نادان
در زندگی ات نقطهء پایان شده باشی؟

هارون یوسفی